



«برگزیت» و تأثیر آن بر منافع ملی ایران

یاسر نورعلی‌وند*

اشاره:

خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا صرفاً چالشی اروپایی نیست و می‌تواند حوزه‌های پیرامونی و بازیگران متعددی از جمله ایران را نیز از خود متأثر سازد. پرسش محوری این نوشتار این است که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا چگونه منافع ملی ایران را از خود تحت تأثیر قرار داده و چه چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای آن رقم خواهد زد.

مقدمه

پس از کش و قوس‌های فراوان موافقان و مخالفان خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، رأی ۵۲ درصدی ۲۳ ژوئن شهروندان بریتانیایی به خروج این کشور از اتحادیه اروپا (برگزیت) تحولی اساسی بر آینده سیاست در انگلیس و اتحادیه اروپا برجای گذاشت. این رخداد فارغ از نحوه خروج بریتانیا، سناریوهای وضعیت این کشور در پسابرگزیت و همچنین تبعاتی که برای اتحادیه اروپا و انگلیس دارد، پیامدهایی را نیز برای ایران خواهد داشت. اهمیت این مسئله برای سیاست خارجی ایران زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم در سیاست خارجی پسابرجام، اتحادیه اروپا و دولتهای عضو آن در مرکز راهبرد ایران برای بازگشت به نظام جهانی پس از توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌های بین‌المللی قرار دارند. از این رو، بررسی پیامدهای این خروج در حوزه مسائل اقتصادی، سیاسی-امنیتی و روند اجرایی شدن برجام بر جمهوری اسلامی ایران محور اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهد.

نقش انگلیس در سیاست‌های اتحادیه اروپا در قبال ایران

بررسی پیامدهای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، بدون توجه به نقش و الگوی رفتاری این کشور در چارچوب اتحادیه در قبال ایران، فاقد جامع‌نگری و ارزیابی دقیق خواهد بود. بررسی‌های تحلیلی و تاریخی نشان می‌دهد که در زمینه نقش بریتانیا در اتحادیه اروپا و همچنین تأثیر این کشور در نوع و نحوه تعامل این اتحادیه و آمریکا با ایران الگوی واحد و متقنی وجود ندارد تا بر اساس آن مسئله خروج این کشور از اتحادیه و تأثیر آن بر منافع ملی ایران را تحلیل و ارزیابی کرد؛ کما اینکه اگر چنین الگویی وجود داشت، شاید تحلیل مسئله خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و تأثیر آن بر ایران چندان سخت و پیچیده نبود.

در این راستا، تجربه سه دهه گذشته نشان می‌دهد که تأثیرگذاری انگلیس در چارچوب اتحادیه اروپا و همچنین در نوع کنش این اتحادیه و آمریکا با جمهوری اسلامی ایران به سه شکل و الگوی متفاوت بوده است:

۱. نقش رهبری و محوریت انگلیس در اتحادیه اروپا:

در مقاطعی انگلیس رهبری مجموعه اتحادیه اروپا را در دست گرفته و در مواردی همچون مسئله سلمان رشدی و کتاب آیات شیطانی، اتحادیه را علیه ایران بسیج کرده و در مقابل، در مواردی نیز همچون بیانیه ادینبورگ (دسامبر ۱۹۹۲) پیش‌قراول همکاری و تعامل با ایران شده است.



دوست و دشمن دائمی ندارد، بلکه آنچه مهم است منافع ملی آن است». نحوه ورود این کشور به اتحادیه اروپا و خروج از آن نیز بر اساس همین اصل قابل تحلیل و ارزیابی است. بریتانیا به عنوان کشوری جدامانده از روند اتحاد و همگرایی در اروپای پس از جنگ، زمانی اصرار به ورود داشت که احساس کرد از منافع جمعی حاصل از همگرایی اروپایی بی‌نصیب مانده و زمانی بر خروج پافشاری کرد که به این نتیجه رسید منافع حضور در اتحادیه کمتر از خروج از آن است و به طور کلی تداوم حضور در این اتحادیه، منافع ملی و حاکمیت ملی آن را تهدید می‌کند. به طور کلی، مطابق با الگوهای متفاوتی که رفتار انگلیس را در قبال ایران شکل داده، فرصت‌ها و چالش‌های متفاوتی متوجه کشور شده است که در مسئله خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا باید همگی آنها مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرند تا بتوان با نگاهی همه‌جانبه و واقع‌بینانه آن را مورد مطالعه قرار داد.

چالش‌ها و فرصت‌های خروج بریتانیا برای ایران

با توجه به مقدمه‌ای که در بخش پیشین به آن اشاره شد، در بخش حاضر به چالش‌ها و فرصت‌های خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در سه حوزه اقتصادی، سیاسی-امنیتی و نیز تأثیر آن بر برجام پرداخته خواهد شد.

چالش‌ها و فرصت‌ها در حوزه اقتصادی

پس از توافق هسته‌ای و اجرایی شدن برجام یکی از اولویت‌های اساسی سیاست خارجی ایران در قبال اتحادیه اروپا متوجه حوزه اقتصادی و جلب سرمایه‌گذاری و فناوری اروپایی برای تقویت اقتصاد تحریم‌زده داخلی بوده است.

۲. نقش انگلیس به عنوان تابع و پیرو سیاست‌های

مشترک اتحادیه اروپا: عضویت در اتحادیه اروپا سبب شد این کشور در مواردی همچون سیاست‌های تجاری و اقتصادی، حقوق بشر و یا در زمینه چالش‌های سیاسی همچون بحران هسته‌ای، پیرو خط‌مشی‌های مشترک اتحادیه اروپا بوده و در چارچوب قواعد آن حرکت نماید.

۳. نقش انگلیس به عنوان واسطه یا پل ارتباطی روابط

آمریکا و اروپا و یا حامی / پیرو سیاست‌های آمریکا: در خصوص متغیر ایالات متحده و تأثیر آن بر روابط اروپا و آمریکا و همچنین روابط اتحادیه اروپا با ایران نیز انگلیس دست کم در دو الگوی میانجی یا واسطه و حامی / پیرو ایالات متحده نقش بازی کرده است. در مقاطعی انگلیس مطابق با آنچه تونی بلر آن را «پل ارتباطی اروپا و آمریکا» می‌نامید، نقش واسطه داشته است؛ به گونه‌ای که این پل ارتباطی در دوره ریاست این کشور بر اتحادیه اروپایی در نیمه اول سال ۱۹۹۸ که عامل اصلی توافق سران آمریکا و اتحادیه اروپا در مورد عدم تسری قانون تحریم شرکت‌های نفتی (قانون داماتو) طرف قرارداد با ایران موسوم به ایلسا به شرکت‌های اروپایی شد، نقشی سازنده و در مواردی همچون اعمال تحریم‌های بین‌المللی هسته‌ای به ویژه هماهنگی تحریم‌های اروپا با آمریکا علیه ایران، نقشی منفی ایفا کرده است. به نقش پل ارتباطی انگلیس میان دو سوی آتلانتیک، باید نقش پیروی این کشور از سیاست‌های ایالات متحده را نیز افزود که خود پیامدهای مختلفی در روابط این کشور، اتحادیه اروپا و آمریکا با ایران داشته است.

با همه این پیچیدگی‌ها و الگوی‌های رفتاری چندگونه و متفاوت و بعضاً متعارض، می‌توان یک اصل کلی را از بطن این رفتارهای چندگانه انگلیسی‌ها بیرون کشید و آن هم اصل «جایگاه بی‌بدیل منافع ملی» در سیاست خارجی بریتانیا است. با محور قرار دادن این اصل از سوی سیاست‌مداران انگلیسی، هرگاه منافع بریتانیا ایجاب کرده رهبری اتحادیه اروپا را در دست گرفته؛ آنجا که لازم بوده پیرو سیاست‌های اتحادیه اروپا شده؛ جایی که متضرر شده از اتحادیه اروپا دوری کرده و به سمت آمریکا گرایش پیدا کرده؛ در مقاطعی نیز نقش واسطه و پل ارتباطی دو سوی آتلانتیک را در پیش گرفته است. این حرکت سیاست‌مداران بریتانیایی یادآور جمله معروف چمبرلین نخست‌وزیر انگلیس در جریان جنگ جهانی دوم به عنوان سیاست اصولی و راهبردی انگلیسی‌ها است که گفت: «بریتانیا

نسبی درآمدهای نفتی و افزایش نرخ یورو می‌تواند به عنوان یکی از بزرگ‌ترین آثار منفی تصمیم مردم انگلیس بر روابط دوجانبه اقتصادی ایران با اروپا باشد. دیگر آنکه، خروج انگلیس از اتحادیه اروپا بر روی تأمین منافع و اهداف اقتصادی ایران در دوره پسابرجام اثر منفی خواهد گذارد. بازگشت ایران به بازار جهانی پس از توافق هسته‌ای از طریق مجاری سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا دنبال شده است. از این منظر، بی‌ثباتی و بلا تکلیفی در بازارهای مالی اتحادیه اروپا برای جمهوری اسلامی ایران مطلوب نخواهد بود. در همین راستا، یکی از موانع اصلی بهره‌مند شدن ایران از امتیازات اقتصادی برجرام در ماه‌های اخیر، تردید بانک‌های بین‌المللی در همکاری با ایران به علت نگرانی از تحریم‌های آمریکا بوده است. بیشتر بانک‌ها برای سرمایه‌گذاری در داخل ایران پیش از خروج انگلیس از اتحادیه اروپا مردد بودند و این احتمال می‌رود که پس از خروج این کشور از اتحادیه بر تردیدهای آنها افزوده شود. چالش بعدی به اولویت‌بندی روابط اقتصادی انگلیس در دوره پس از خروج مرتبط است. در این دیدگاه، برخلاف کسانی که معتقدند روابط اقتصادی انگلیس شرق‌محور خواهد شد، انگلستان برای نزدیک به یک دهه گرفتار بازیابی روابط اقتصادی خود با اتحادیه اروپا و تک‌تک ۲۷ عضو آن خواهد شد. از زمان شروع روند خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، این کشور درگیر مذاکرات طاقت‌فرسا و طولانی (قوانینی که بریتانیا را به اتحادیه اروپا وصل می‌کنند حدود ۸۰ هزار صفحه است که پیش‌بینی می‌شود مذاکرات آن بین ۷ تا ۱۰ سال به طول انجامد) با اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن می‌شود که نتیجه آن به حاشیه‌رفتن روابط دوجانبه با کشورهای نظیر ایران است.

چالش‌ها و فرصت‌ها در حوزه سیاسی - امنیتی

در حوزه سیاسی - امنیتی نیز آمیزه‌ای از فرصت‌ها و چالش‌ها در انتظار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. در زمینه فرصت‌های سیاسی ناشی از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا برای ایران، برخی از کارشناسان بر روی فرصت‌هایی همچون تضعیف جناح آتلانتیک‌گرا و استقلال اتحادیه اروپا از محور انگلیس - آمریکا، تشدید اختلافات فراآتلانتیکی به سود ایران، کاهش نفوذ هر دوی اتحادیه اروپا و انگلیس در نظام بین‌الملل، تضعیف انسجام تروئیکای اروپایی و تعامل خاورمیانه‌ای بیشتر اتحادیه اروپا با ایران در اموری همچون بحران سوریه دست می‌گذارند.

خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا می‌تواند این حوزه از روابط دوجانبه را تحت تأثیر قرار دهد که خود با چالش‌ها و فرصت‌هایی برای ایران همراه خواهد بود. برخی از کارشناسان معتقدند که با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، این کشور به دلیل نیازهای اقتصادی - تجاری پسابرجام به لغو تحریم‌هایی که می‌باید در طول اجرای برجرام لغو شوند، سرعت خواهد بخشید و دیگر الزامی ندارد که از ساختار تحریم‌های اتحادیه اروپا تبعیت نماید. علاوه بر این، با توجه به وجود دو شرکت بزرگ نفتی در بریتانیا (شل و بی‌پی)، ایران می‌تواند بدون قوانین دست و پاگیر اتحادیه اروپا، به صورت مستقل از این شرکت‌ها برای مقاصد سرمایه‌گذاری و بازسازی جایگاه نفتی خود در بازارهای انرژی سود جوید. فرصت دیگر اقتصادی نهفته در بحث خروج بریتانیا از اتحادیه برای ایران این است که ایران و انگلیس می‌توانند فارغ از موانع و محدودیت‌های قانونی و اداری اتحادیه اروپا به بازیابی و توسعه روابط دوجانبه اقتصادی خود بپردازند. علاوه بر این‌ها، برخی معتقدند که با خروج بریتانیا از اتحادیه، این کشور در بلندمدت تجارت و سرمایه‌گذاری خود را در خارج از اروپا دنبال کرده و بر حوزه شرق متمرکز خواهد شد که در این میان ایران یکی از گزینه‌های کلیدی برای انگلستان خواهد بود.

اما در مقابل این فرصت‌ها، چالش‌هایی نیز در حوزه اقتصادی متصور است. در این زمینه برخی از تحلیل‌گران معتقدند که در کوتاه‌مدت آثار کاهش قیمت نفت و ارزش پوند و تقویت یورو با توجه به میزان و حجم مرآوده با اروپا چندان برای اقتصاد ایران مناسب نخواهد بود. بنابراین، کاهش



از یک منظر، خروج انگلستان از اتحادیه اروپا می‌تواند منجر به تضعیف رهیافت و جناح آتلانتیک گرا و آمریکاگرا و استقلال این اتحادیه از سلطه مواضع محور انگلیسی-آمریکایی شود. این مسئله نه تنها به معنای کاهش تأثیرگذاری انگلیس بر مواضع اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل خواهد بود، بلکه به معنای کاهش نفوذ نسبی آمریکا در اتحادیه اروپا نیز می‌باشد. در این چارچوب، اروپای بدون انگلیس، مستقل‌تر و قابلیت و امکان تعامل مثبت و همکاری بیشتری با ایران دارد.

دیگر آنکه، پیش‌بینی می‌شود که با خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، روابط راهبردی این کشور با آمریکا مستحکم‌تر از قبل شود. علاوه بر این، اتحاد راهبردی آمریکا-انگلستان منجر به تقویت وحدت درون اروپایی با محوریت فرانسه و آلمان خواهد شد. تحولی که می‌تواند در مقاطعی نظیر آنچه در گذشته در مورد جنگ عراق شاهد بودیم، اختلافات فرآتلانتیکی را تشدید نماید. فرجام و نتیجه این تحولات، شکاف در مواضع غرب در قبال ایران و به نفع آن خواهد بود؛ زیرا زمینه بازی منطقی و معقول ایران در این گسل را فراهم می‌کند.

علاوه بر این، خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، وزن و نقش آفرینی سیاسی هر دوی اتحادیه اروپا و انگلستان را در نظام بین‌الملل کاهش می‌دهد. به طور منطقی یک اتحادیه اروپای ضعیف و متزلزل نسبت به یک اروپای متحد و یکدست که در برابر ایران نهادینه عمل می‌کند، مرجح است. وجود دو کرسی عضویت دائمی اتحادیه اروپا در شورای امنیت سازمان ملل سبب شده بود که اتحادیه در برخورد با بحران‌های جهانی نظیر مسئله هسته‌ای ایران اقتدارآمیز برخورد کرده و جایگاه و اعتبار خاصی در نظام بین‌الملل داشته باشد. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به منزله از دست دادن یک حق و تو در شورای امنیت و یک عضو تأثیرگذار در نظام بین‌الملل خواهد بود. در نتیجه نفوذ این اتحادیه در حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای و جهانی کاسته شده و این مسئله تأثیر منفی خود را بر سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه خواهد گذاشت.

این مسئله متقابلاً در مورد کاهش نفوذ انگلیس در نظام بین‌الملل نیز صادق است. به گونه‌ای که انگلستان دیگر نمی‌تواند از وزنه و اهرم اروپا در تعاملات بین‌المللی خود استفاده کند. آنچه مسلم است دست بریتانیا برای سیاست‌هایی که قصد اعمال آن را دارد بازتر شده است، اما در مقابل پشتیبانی و حمایت سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا را هم از دست داده است. به طور مثال، در مسئله سلمان رشدی، جامعه اروپا خود را ملزم به حمایت از سیاست بریتانیا در

قبال ایران دید و سفرای خود را یک به یک از ایران خارج کرد، اما اگر امروز اتفاق مشابهی رخ دهد، بعید به نظر می‌رسد که حمایت همه‌جانبه‌ای صورت پذیرد. همچنین، این خروج ممکن است به استقلال اسکاتلند و ایرلند شمالی از انگلستان منجر شود. وضعیتی که به شدت جایگاه و نقش انگلستان در روابط بین‌الملل را کاهش می‌دهد. این تأثیر دوجانبه نیز به نفع ایران خواهد بود؛ چرا که هر دوی آنها برای جبران کسری قدرت سیاسی خود در نظام بین‌الملل، به همکاری و شراکت با قدرت‌های منطقه‌ای نظیر ایران محتاج خواهند بود.

همچنین برخی تحلیل‌گران معتقدند، خروج انگلیس که بیش از هر چیز متأثر از بحران مهاجران و پناهندگان به ویژه پناهجویان سوری در ماه‌های اخیر بوده است، اتحادیه اروپا را از ترس تأثیر این عامل بر دموینوی خروج دیگر کشورها، مصمم به حل بحران سوریه و بازگرداندن پناهجویان به کشورشان خواهد کرد. از این منظر نیز، اتحادیه اروپا بیش از پیش خود را نیازمند همکاری و تعامل با ایران برای حل این بحران خواهد دید.

در زمینه چالش‌های سیاسی، استدلال‌های مخالفی نیز مطرح می‌شود. در این دیدگاه‌ها، فرضیه‌های همچون «تقویت ستون اروپایی در مقابل ستون آمریکایی» و «تشدید اختلافات فرآتلانتیکی»، نه تنها دور از ذهن به نظر می‌رسند، بلکه مسئله خروج، زمینه تقویت همکاری‌های امنیتی غربی را بیش از پیش محسوس می‌سازد. زیرا نخست، از یک سو نیاز اروپا به آمریکا و انگلستان برای خنثی کردن تهدیدهای روسیه و حل بحران سوریه اساسی است و از سوی دیگر، هم انگلیس و هم اتحادیه اروپا پس از پدیده برگزیت، برای جبران کسری امنیتی، همکاری خود را با ناتو افزایش خواهند داد. از این رو، با

صورت تحقق می‌تواند بر ایران و محیط امنیتی آن تأثیر منفی مستقیمی داشته باشد.

دیگر آنکه، با خروج بریتانیا، احزاب راست افراطی در کل اروپا جسورانه‌تر از قبل و با صدای رساتری در حال نفوذ در افکار عمومی در راستای به دست گرفتن قدرت و طرح همه‌پرسی خروج مشابه بریتانیا در کشورهای خود هستند. در نگاه نخست، اگرچه نتیجه راست‌گرایی افراطی در اروپا مخالفت با همگرایی و تضعیف اتحاد اروپایی و نهایتاً دومینوی خروج از اتحادیه و فروپاشی و تضعیف اروپا به سود ایران است، اما در نگاه عمیق‌تر به معنای افزایش ملی‌گرایی افراطی، افزایش خشونت، مخالفت با مهاجران مسلمان و به طور کلی افزایش روند اسلام‌ستیزی در اروپا و بی‌ثباتی در مناطق پیرامونی خواهد بود. ضمن اینکه تضعیف اتحادیه اروپا در شرایط فعلی چندان به سود اجرایی شدن برجام نیست که در بخش بعدی به آن خواهیم پرداخت.

تأثیر خروج بریتانیا بر برجام

یکی از مسائل مهم دیگری که می‌تواند از برگزیت تأثیر بپذیرد، مسئله برجام و روند اجرایی شدن آن است. تأثیر خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بر برجام از دو زاویه قابل بررسی است: نخست، تأثیر خروج بر لغو برجام و دوم، تأثیر خروج بر روند اجرایی شدن برجام. برخی از تحلیل‌گران در نظراتی غیرواقع‌بینانه تأثیر برگزیت را تا جایی می‌بینند که حتی ممکن است به لغو برجام بیانجامد. در این خصوص باید گفت که توافق هسته‌ای یک توافق‌نامه بین‌المللی میان ایران و گروه ۵+۱ است که انگلیس تنها یکی از اعضای آن است. برجام یک توافق بین‌المللی و دارای ضمانت اجرایی بین‌المللی است و بسیار بعید به نظر می‌رسد که تغییر دولت‌ها و تحولات داخلی آنها در لغو آن موثر واقع افتد؛ کم‌اینکه بوریس جانسون پس از تصدی سمت وزیر خارجه دولت جدید انگلیس پس از همه‌پرسی، در اولین اظهارنظر خود درباره برجام گفت: «همکاری با متحدانمان برای ضمانت اجرای کامل توافق هسته‌ای وین درباره برنامه هسته‌ای ایران را ادامه خواهیم داد».

اما در خصوص روند اجرایی شدن برجام ممکن است وضعیت نسبت به گذشته کمی متفاوت شود. در حالت کلی این احتمال وجود دارد که عدم اطمینان و بی‌ثباتی سیاسی کنونی در اروپا و روشن نبودن زمان و نحوه خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و مسائل مالی و اقتصادی مرتبط با آن، بر روند اجرایی شدن هرچه بهتر و سریع‌تر برجام تأثیر منفی بگذارد. ایران در حال ورود مجدد به جامعه

خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، ناتو تقویت خواهد شد و طبعاً تقویت ناتو در راستای منافع ملی ایران نخواهد بود. علاوه بر این، اتحادیه اروپا و انگلیس نقش متوازن‌کننده‌ای را در روابط میان هم، با آمریکا ایفا کرده‌اند و بر دستورکارهای فراقاره‌ای یکدیگر تأثیرگذار بوده‌اند. با خروج بریتانیا از اتحادیه، اهرم متوازن‌کننده از میان خواهد رفت که چندان مطلوب ایران نخواهد بود. در همین رابطه، خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به معنی نزدیکی بیشتر این کشور به آمریکا و تقویت رویکردهای ایالات متحده در فشار بر ایران برای تغییر رفتار آن است.

در مورد تأثیر خروج بر بحران‌های خاورمیانه نیز باید افزود همانطور که عنوان شد اتحادیه اروپا برای جلوگیری از تسری این الگو به سایر کشورها سعی در مدیریت و کنترل مهاجران و احتمالاً ارائه طرح‌هایی برای بازگرداندن مهاجران از اروپا، ثبات در مرزهای شنگن، بازگرداندن امنیت به اروپا و احیای کارآمدی اتحادیه ارائه خواهد کرد. بدون اقدامات مشترک اروپایی‌ها در چارچوب سیاست‌های مشترک، حل بحران‌های مختلف جهانی از جمله مسأله سوریه سخت‌تر خواهد بود. مطابق آنچه در بالا اشاره شد، اگر تحلیل‌های خوشبینانه بر تأثیر مثبت خروج بر تعامل بیشتر اتحادیه اروپا با ایران در زمینه بحران سوریه تکیه می‌کنند، در یک تحلیل بدبینانه نیز ممکن است اتحادیه اروپا به این نتیجه برسد که بحران سوریه از طریق راه‌حل‌های سیاسی - دیپلماتیک حل و فصل نمی‌شود و با همکاری ناتو دست به اقدام نظامی در سوریه بزند. در واقع، در این چارچوب، اتحادیه اروپا بعد از خروج انگلیس تلاش خواهد کرد، بحران سوریه را با هر ابزاری برای بازگرداندن مهاجران به کشورشان پایان دهد؛ موضوعی که در



متضاد بازیگران نظام بین‌الملل قرار داده و این نگرانی وجود دارد که عملاً تعهدات طرفین در وادی بی‌ثباتی‌ها فراموش شود.

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی کلی باید گفت که الگوهای رفتاری متفاوت انگلیس در چارچوب اتحادیه اروپا و خارج از آن در مقاطع مختلف، نه سراسر به ضرر منافع ملی ایران و نه تماماً به سود آن بوده، بلکه آمیزه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدهایی است که به سیاست‌گذاران خارجی کشور، این نکته را گوشزد می‌کند که نمی‌توان پدیده خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا را صرفاً به عنوان یک فرصت طلایی و یا در نقطه مقابل، به عنوان یک چالش اساسی برای سیاست خارجی کشور قلمداد کرد. بلکه این رخداد نیز آمیزه‌ای از فرصت‌ها و چالش‌هایی برای کشور است که می‌باید در حد ظرفیت خود و با توجه به الگوهای رفتاری خاص انگلیس در نقش‌های مختلف آن در چارچوب اتحادیه اروپا و نقش کلی‌تر آن در مجموعه غرب و دو سوی آتلانتیک مورد ارزیابی قرار گرفته و با کنار هم قرار دادن سود و زیان‌های آن بهترین مسیر را در تعاملات آتی با اتحادیه اروپا و انگلیس انتخاب نمود. مسئله مهم‌تر آنکه، بررسی و تبیین نقش جدید انگلیس و رویکردهای جدید آن پس از خروج از اتحادیه و تحلیل واقع‌بینانه از چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپای بدون انگلیس، یک ضرورت راهبردی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهت بهره‌مندی از وضعیت جدید اروپا خواهد بود.

جهانی بوده و تأکید و تمرکز اصلی خود را بر هماهنگی مرکزی با اتحادیه اروپا قرار داده است. هماهنگی با اتحادیه اروپا و استفاده از توانمندی‌های سیاسی و اقتصادی آن مهمترین ابزاری است که ایران برای اجرای بندهای توافق هسته‌ای، به ویژه بندهای مربوط به لغو تحریم‌ها، به آن توجه دارد. هیچ نهاد هماهنگ‌کننده‌ای برای اجرایی شدن برجام خارج از چارچوب اتحادیه اروپا وجود ندارد. طبق متن توافقنامه هسته‌ای و به طور مشخص پیوست شماره چهار این توافقنامه، فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی و امور امنیتی اتحادیه اروپا، به عنوان «هماهنگ‌کننده کمیته مشترک» ناظر بر اجرای بندهای توافقنامه هسته‌ای با ایران تعیین شده است. همچنین اتحادیه اروپا «سرویس اقدام خارجی» را که ایران یکی از مهمترین موضوعات آن به شمار می‌رود، تأسیس کرد که هلاکا اشمید، کارشناس مسائل ایران ریاست آن را بر عهده دارد. در کنار آن نیز کمیته‌ای متشکل از هفت کارشناس اروپایی که معروف‌ترین آنها هوگو سوپرال دیپلمات پرتغالی است، به منظور تلاش برای اجرای بندهای توافقنامه هسته‌ای با ایران تأسیس شد، زیرا امضای این توافقنامه، یکی از محدود موفقیت‌های دیپلماتیک اتحادیه اروپا طی سال‌های گذشته بوده است.

نقش مرکزی اروپا در برجام، مرتبط با منافع سیاست خارجی انگلیس، فرانسه، آلمان و توانایی اجرای برجام و اجماع با آمریکا، روسیه و چین بوده و اجماع در تعهد به رفع تحریم‌ها از جمله مهمترین بخش‌های این توافق از منظر ایران است. این در حالی است که برگزیت می‌تواند اثر منفی بر توانایی انگلیس و اتحادیه اروپا در ارائه مزیت‌های اقتصادی به ایران داشته باشد. به این ترتیب اتحادیه اروپا، که عامل پشتیبان برای دستیابی به توافق با ایران بود، در نتیجه برگزیت می‌تواند به یک عامل مخاطره‌انگیز برای برجام تبدیل شود. علت هم این است که «سرویس اقدام خارجی» به جای تمرکز بر ایران، ناگزیر از تمرکز بر مقابله با تبعات خروج انگلیس از اتحادیه اروپا و همچنین تمرکز بر مسائل داخلی اروپا بیش از مسائل خارجی خواهد شد و از سوی دیگر برای این اتحادیه مذاکرات خروج با بریتانیا و کم و کیف آن در مقایسه با چگونگی اجرایی شدن روند برجام از اولویت اساسی‌تری برخوردار شود. برجام به عنوان یک قرارداد بین‌المللی حداقل برای ده سال آینده منافع ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از این رو، تضعیف نقش بین‌المللی اتحادیه اروپا، تأثیرات منفی بر اجرای برجام و منافع ملی ایران در یک دهه آتی خواهد داشت. اتحادیه اروپای ضعیف، عاقبت برجام را در گیر منافع